

تحلیلی روانشناختی از زندگی «ابن الرّومی»

علی بن عباس بن گریگور یوس

اثر: دکتر جواد سعدونزاده

استادیار دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه شهید چمران اهواز

(از ص ۱۷۹ تا ۱۹۸)

چکیده:

این مقاله درباره یکی از سخن سرایان سده سوم هجری قمری نوشته شده است. نام وی علی بن عباس بن گریگوریوس مشهور به ابن الرّومی می باشد. در این نوشتار به مسأله بیماری روانی ابن الرّومی پرداخته شده است. همچنین به تناسب بحث به هجا و رثای شاعر اشاره رفته، و به پاره‌ای از ابهامات در این رابطه پاسخ داده شده است. در این مقاله دیدگاههای برخی از ناقدان بزرگ قدیم و جدید نیز مورد ارزیابی قرار گرفته است. در پایان به این نتیجه خواهیم رسید که واقعیت و مجموعه قراین بدست آمده، نشان می دهد که ابن الرّومی از شخصیتی متوازن و متعادل، بلکه در حد نبوغ برخوردار بود.

واژه‌های کلیدی: ابن الرّومی، شعر، رثا و هجای او، روان پریشی او.

مقدمه:

ابن الرومی کنبه سخن سرای سترگ سده سوم هجری قمری می باشد. نام وی علی و کنیه اش ابن الرومی؛ آمیزه‌ای از دو تبار یونانی و ایرانی بود. او بسال ۲۲۱ هـ از پدری یونانی تبار بنام عباس و مادری ایرانی نژاد و تقوی پیشه بنام حسنه دختر عبدالله سجزی سجستانی، دیده به جهان گشود. (ابن خلکان: وفیات الأعیان، ج ۳، ص ۳۶۰) و (محمد بن عمران المرزبانی: ۱۹۹۱، ص ۱۴۵)

این نسب و تبار به وضوح در اشعار ابن الرومی ثبت گردیده است. (ابن الرومی: دیوان، شرح اسامه حیدر، ج ۶، قافیه میم، ص ۲۷۷)

درخت وجود این شاعر، ریشه در دو فرهنگ رومی ایرانی دارد. افزون بر تأثیر فرهنگ اسلامی و عربی در بالندگی و اندوخته‌های علمی، ادبی و فلسفی ابن الرومی می توان اثر انگشت تأثیر فرهنگ پدر و مادر را کم و بیش در آفرینش ادبی این شاعر بازشناسی کرد. (عباس محمود العقاد: ۱۹۶۸، صص ۸۲ و ۸۳)

عمده ترین این تأثیرات، گرایشهای فلسفی و جدلی با ویژگی یونانی، و سبکهای لطیف سخن سرایی فارسی بوده است. (کارل بروکلیمان: ۱۹۴۹، ج ۱، ص ۳۶۶)

همچنین ابن الرومی گاه در اشعار خود از زبان فارسی هم واژگانی را به عاریت می گرفت. (روون گسست: ابن الرومی: حیانه و شعره، ترجمه د. حسین نصار، ص ۸۷)

زندگی این شاعر نغزگوی در هاله‌ای از ابهام فرو برده شده است، و تا آنجا که ممکن بود لایه‌های ستبری از تخریب و تحریف، پیرامون زندگی ابن الرومی تنیده شده است. این ابهام آفرینی ماهرانه به تمام زوایای زندگی این ادیب سرایت کرده، و سرانجام حیات مادی و معنوی او را به تاریکخانه‌ای فکنده است؛ بگونه‌ای که فضاوت درباره این شاعر را بسی دشوار، و در پاره‌ای از مواقع ناممکن ساخته است. جای شگفتی نیست اگر طه حسین حیات ابن الرومی را، «مجهوله أو کالمجهوله نامیده است». (د. طه حسین: ۱۹۷۱، ج ۲، ص ۳۷۳)

در نتیجه گردابی سخت و مردافکن پدید آمد که شخصیتهای بزرگی چون ابوالعلاء معری، سید مرتضی علم الهدی، و اکثر مورخان و تاریخ ادب نوبسان در گذشته، و نیز ناقدان همروزگار ما چون عماد و طه حسین و دیگران از فرو غلتیدن در آن رهایی نیافتند. البته میزان

این لغزش و خطا در ارتباط با برخی از این بزرگان از نظر فزونی و کاستی متفاوت است. در این نوشتار تلاش ما بر اینست که به پاره‌ای از ابهامات منسوب به ابن الرومی پاسخ درخوری داده شود، به ویژه درباره اختلال روانی و مزاج سودایی و ضعف اعصاب و در مواردی بطور تلویح نسبت جنون به ابن الرومی که موضوع اصلی این نوشتار است، دامنه سخن را خواهیم گسترده. در این فراز منابع این گزارشها و صحت و سقم، یا استحکام و یا بی پایه بودن آنها سنجیده خواهد شد، همچنین، با تکیه بر منابع روانشناسی و روانپزشکی و علائم توصیفی برخی از اختلالات روانی، امکان وجود آنها در این شاعر، مورد ارزیابی و بررسی قرار خواهد گرفت.

اما پیش از پرداختن به موضوعات اصلی، ناگزیریم که به مطالبی به عنوان درآمدی بر بحث مورد نظر، اشاره نماییم.

ابن الرومی در دوران کودکی در خانواده‌ای برخوردار و متمتع زندگی می‌کرد. پدرش شخصی متمول و گشاده‌دست بود، که توجه ویژه‌ای به آموزش فرزندان خود داشت. نسبت به آموزش آنان همت می‌گمارد و آنان را به شخصیت‌های سرآمد آن روزگار بمنظور علم آموزی می‌سپرد. (عباس محمود العقاد: ۱۹۶۸، ص ۹۱، و مرزبانی، معجم الأدباء، ص ۱۱۴)

ابن الرومی شعله شوق آموختن را تا پایان عمر فروزان نگاه داشت و همیشه در پی کسب دانش بود. (عباس محمود العقاد: ۱۹۶۸، ص ۱۰۶)

برخلاف برخی از سخنان، از نظر زیبایی ظاهر هم به حکم عقل و نیز به استناد اشعار وی، ابن الرومی در جوانی لطافت و زیبایی رومیان و ایرانیان را یکجاگرد آورده بود، و به رشافت و جمال آراستگی داشت. (در بیری، ابن الرومی دچار عارضه‌های آن دوره یزمدگی و کهولت گردید، اما در جوانی همچنانکه او می‌گوید: چهره‌اش سیمینتان را بر می‌انگیخت:

فقد جعلت نقدی بشیبی و ترمذ

و كنت جلاء للعیون من القندی

(رک: ابن الرومی، دیوان، شرح: فاروق اسلم، ج ۲، قافیه دال، ص ۲۴۲)

از لحاظ آموزه‌های اخلاقی و دینی، چون در دامانی پاک و در کنار مادری سجاده نشین بالید، بطور یقین زمزمه‌های معنوی مادر، اثر ژرفی بر لطافت روحی او می‌گذارد، و بذر

اعتقادات دینی و مذهبی را در جان او به ودیعه نهاد، و مجالی را برای انکار یا طعنه زدن عقاد نمی یابیم، تا پاره‌ای از گرایشهای زیبای دینی او را به باد استهزاء بگیرد. (عباس محمد العقاد: ۱۹۶۸، ص ۹۲)

نکته دیگری که اشاره بدان ضروری می نماید، آنست که شاعر در زمانه‌ای پر تلاطم و پر آشوب روزگار می گذراند، روزگاری که پلیدی و عیاری، و مکر و فریب ابزار پسندیده مردم بود، و اصول اخلاقی و تعهد و صفا و خلوص و یکرنگی، بلاهت و سفاهت و سادگی شمرده می شد. (همان: ص ۶۲)

از سوی دیگر اوضاع سیاسی دوره زندگی ابن الرومی اوضاع پایدار و باثباتی نبود، و خلفای عباسی یکی پس از دیگری بر صحنه حوادث ظاهر می گشتند، بطوری که شاعر ما خلافت هشت تن از خلفای عباسی را شاهد بود. (همان: ص ۱۵)

باید یاد آور شد که ابن الرومی شاعری شیعه مذهب بشمار می رفت، و در تعارض با مذهب حاکم بود، این امر بطور طبیعی در آن فضای بسته تبعات سیاسی، اجتماعی و حتی اقتصادی سنگینی را بر ابن الرومی تحمیل کرد. بگونه‌ای که گاهی افراد وصل به قدرت از پشت درب خانه‌اش او را سخت می آزرندند. (یوسف بن یحیی الصنعانی: ۱۹۹۹، ج ۲، ص ۳۷۴)

متأسفانه در اکثر پژوهشهای انجام یافته درباره ابن الرومی تعارض مذهبی و اعتقادی او را به عنوان منتقد صریح و بی پروا در عرصه سیاست به فراموشی سپرده‌اند، یا در صورت طرح بسیار کم رنگ از آن گذشته‌اند.

به گمان این نگارنده نقطه نظر مطرح شده می تواند کلید پاسخ ابهامات بسیاری باشد. واقعیت سوزناک و تلخ دیگری در زندگی ابن الرومی وجود داشت که برخی از مورخان و نویسندگان نیز از آن بطور نادرست بهره برداری کردند. آن واقعیت مرگ پی در پی بستگان او بود، بطوری که براستی می توان ابن الرومی را یکی از نمونه‌های بارز «داغ‌بدگی» بشمار آورد. مرگ جانکاه سه فرزند یکی پس از دیگری، و پیش از آن مرگ مادر مهربان و شایسته در میانسالی و مرگ همسر و برادر و ویرانی خانه‌اش، و از دست رفتن ثروتش، اثر جانسوزی بر جان و روان او بر جای گذاشت. (عباس محمد العقاد: ۱۹۶۸، صص ۹۲ و ۹۳)

این حادثه منشأ چکامه‌های آتشین رثای او در سوگ فرزندانش گردید؛ چکامه‌های مزبور آتشفشانی از عاطفه و التهاب و سوز و گداز را در خود جای داده است. تذکر دیگری که می‌تواند در مواردی مفید واقع گردد، توجه به این حقیقت است که برون‌ریزی احساسات در چکامه‌های هجای ابن‌الرومی، و واکنشهای خشم آلودش بیشتر معلول مبارزه سیاسی و اجتماعی شاعر بود، و در این راستا بدون شک هجا ابزار نیرومند و کارگر او بشمار می‌رفت. کشمکش سهمگین در آن روزگار مبتذل، سایه سنگین خود را بر همه چیز و همگان افکنده بود، لذا برجسته شدن هجاء در شعر ابن‌الرومی جلوه طبیعی و منطقی آن جامعه پریشان و پرتنش تلقی می‌گردد. اگر چه او در سایر اغراض شعر سخن‌سرایی باریک بین و مو شکاف بشمار می‌رود، نباید فراموش کرد که ابن‌الرومی شاعری درگیر، مبارز و منتقد قدرت سیاسی حاکم بود. وی ادیبی فرهیخته و سرآمد است که پنجه در پنجه نظام حاکم افکنده، و در تمام عرصه‌ها عملکرد خلفا و وزرای آنان را به نقد و نقض کشید، و بخشی از هنرش را آینه تمام‌نمایی جهت تخطئه استبداد و ستم نمود. ابن‌الرومی تا بدانجایی پرده و چالاک سخن می‌گفت که بسیاری از مورخان را یارای نقل آن اشعار، نبود. ابوالفرج اصفهانی، تنها با سرزنش و توبیخ او بسبب آن جسارت و گستاخی بر عباسیان، در قصیده انقلابی و آتشین «جیمبه» آن را با ترس و وحشت نقل می‌کند. (ابوالفرج اصفهانی: مقاتل الطالبیین، ص ۴۲۴)

اتفاق نظر جالبی که آنرا نزد همگان یافتیم آن بود که اهل نظر ابن‌الرومی را شاعری در حد نبوغ می‌دانند. وی شاعری است که به قول مسعودی: (عباس محمود العقاد: ۱۹۶۸، ص ۲۴۰. به مروج الذهب مراجعه شد، این عبارت زیبا و در خور ابن‌الرومی را در آنجا نیافتیم، اما سخن همچنان شایسته و متین است)

آنزمان را نیز در سینه داشت. در عین حال خود را در متن محرومیت و عزلت می‌یافت، و اراده حاکم و مسلط با بستر سازی مخالفانش او را در حاشیه نگاه داشته بود، اما مخالفان و رقیبان کم موهبت او در ساحل آرامش غنوده، بر خوان نعمت باد آورده فهفمه می‌زدند. پس از مقدمه کوتاهی که گذشت، اکنون بهتر می‌توانیم به خطوط اصلی بحث اشاره کنیم. بر پژوهشگران پوشیده نیست که منابع کهن تاریخ ادبیات عربی، اطلاعات اندکی درباره ابن‌الرومی عرضه می‌کند. کتابهایی چون، «وفیات الاعیان»، «العمدة»، «معجم الشعراء»،

«مروج الذهب»، «أمالی سید مرتضی»، «معالم العلماء»، «مرآة الجنان» و «كشف الظنون» و غیره، اطلاعات بسیار گسسته‌ای را به خواننده می‌دهد. (حاجی خلیفه‌نما در شرح حال ابن الرومی به ۵ سطر بسنده می‌کند. ر.ک: حاجی خلیفه، ۱۹۹۹، ج ۵، ص ۲۸۳)

در بیشتر این موارد، گزارشها بدون مأخذ عرضه می‌شود، و دلیلی بر صحت و سقم آنها اقامه نمی‌شود. انسان‌گاه در اندیشه فرو می‌رود که چرا باید مجبور باشیم این داده‌ها را بدون تأمل و درنگ بپذیریم؟ در حالیکه سلسله راویان بسیاری از این اخبار از مخالفان یا دشمنان ابن الرومی بوده‌اند، و در اکثر موارد روایتهای ادبی و تاریخی مرسل است. در موارد انبوهی هم گزارشها همه جعلی و غیر واقعی می‌باشد. در باب «بدبینی ابن الرومی» عباس محمود العقاد درباره این آشفته بازار می‌نویسد: «افراد پر آوازه همواره دچار جعل شایعه و سخن می‌شوند، و نکته‌های شگفت‌آور به آنها نسبت داده می‌شود، خبرهای جعلی مربوط به این بدبینی، بیشتر از خبرهای صحیح و واقعی است، و گاهی اخبار درست با گزافه‌گویی و اطناب در هم آمیخته شده است». (العقاد: ۱۹۶۸، ص ۲۱۷)

اما برخی از منابع و مأخذ نو و معاصر با تکیه بر نقد ادبی جدید، توانسته‌اند به برخی از حقایق قابل قبول از زندگی ابن الرومی برسند، اما بدلیل گل آلود بودن سرچشمه بیشتر این اطلاعات، قضاوت نهایی، درباره این شاعر همچنان کاسته و غیر واقعی بنظر می‌رسد.

جایگاه ابن الرومی در پژوهشهای ادبی:

مهمترین تألیف معاصر درباره ابن الرومی توسط عباس محمود عقاد مصری با نام «ابن الرومی حیاة من شعره» انجام گرفته است، که در نوع خود اثر بسیار ارزشمندی بشمار می‌رود، اما بدلیل ضعف شالوده‌های اطلاعاتی در منابع قدیم و یا کثرت و تواتر انبوه اخبار جعلی، برخی از صفات و ویژگیهای منسوب به ابن الرومی مسلم فرض شده است، و این فرض باطل استنباطهای نادرستی را در پژوهشهای ابن نویسنده نام‌آور، در پی داشته است. بویژه شعر اعتقادی و خاستگاه مبارزاتی و درگیری بانظام سیاسی و پی آمدهای آن مورد توجه یا علاقه عقاد قرار نگرفته است. روون گست (Rhuvon Guest) نیز کتابی ارزشمند

بنام «ابن الرومی حیاته و شعره» نوشت که دکتر حسین نصار آنرا از انگلیسی به عربی برگرداند، این کتاب نیز حاوی مطالب ذی قیمتی، درباره ابن الرومی است. ایلیا حاوی هم «ابن الرومی و نفسیته» را نگاشت که سعی نمود نگاهی روانکاوانه به ابن الرومی داشته باشد. دیگران هم به فراخور حال خویش از زوایای خاص به هنر و زندگی ابن شاعر پرداخته‌اند، که در جای خود محل بحث و گفتگوست. افزون بر این تاریخ ادب نویسان معاصر بدون استثناء در آثار خود فصلی را برای بررسی زندگی و ادب ابن شاعر گشوده‌اند و توجه شایانی را به مقام و جایگاه او نشان داده‌اند.

تأثیر ابن الرومی بر نام آوران شعر عربی :

بدون شک این شاعر نامی از نظر هنری و شعر و شاعری در جایگاه بس بلندی قرار دارد. دیوان بزرگ و متنوع و محکم او، گواه چیرگی او در سفتن سخن است. تبخر او در آفرینش معانی نو و ابتکاری بحدی است که بزرگان شعر عرب را مسحور خویش ساخته بود، تا جایی که «ادیبان و شاعران پر آوازه‌ای چون بدیع الزمان همدانی، ابوالعلاء معری، شریف‌رضی و...» از آبشخور زلال معانی او جرعه‌ها سر کشیدند. (همان: ص ۶۳)

از میان این نام‌آوران، پیغامبر شعر عربی یعنی متنبی عنایت ویژه‌ای به شعر ابن الرومی داشت، و آنرا بدقت مطالعه می‌کرد و معانی بلند او را بارها به عاریت می‌گرفت، «شاید نزدیک به چهل مورد متنبی در شعر خود معانی ابن الرومی را تکرار می‌کند». (روون گت: ابن الرومی حیاته و شعره، ص ۱۹۱)

نیز فیلسوف بزرگ شرق، ابن‌سینا، گلچینی از اشعار ابن الرومی را به سفارش استاد خویش حفظ می‌کند، و «کتابی نیز در این زمینه می‌نگارد». (همان: ص ۱۹۱)

ابن الرومی در بسیاری از معانی و صور خیال پیشگام بود، بخصوص در وصف «حرکت» گمان نمی‌رود که کسی به مهارت او اشعاری را در این باره سروده باشد، بویژه آن ابیاتی را که در آنها سرعت حرکت و چالاکی ناوایی را هنگام پختن نان به تصویر کشیده است. (ابن الرومی:

دیوان، شرح فدری مایو، ج ۳- فانیه راه، ص ۳۸۰)

ابن الرومی در تداعی معانی و انتقال از شکلی به شکلی و از خیالی به خیالی دیگر، آنقدر

با شتاب و سرعت مطلب را می‌پرداخت که عقاد شگفت زده را بر آن داشت تا بگوید: «در این حالت سریع تداعی معانی، نبوغ در شاعر تا کرانه‌های جنون پیش تاخته است». (عباس محمد العقاد: ۱۹۶۸، ص ۲۱۳)

هجای ابن الرومی و واقعیت آن:

یکی از انتقادهای اساسی که همواره علیه ابن الرومی مطرح گردیده هجای اوست؛ بطوری که ابن الرومی را در این هموردی در یکسو و مردم را در سوی دیگر قرار می‌دهند. نیز اینگونه فرض می‌شود که تیر هجاء ابن شاعر متوجه توده مردم است، و مردم او را به دیده دشمن نگاه می‌کردند. باید متذکر شد که ابن الرومی در برهه‌ای بسیار سخت و طاقت فرسایی می‌زیست، «در دوره نیرنگ و پلیدی و کشمکش جهنمی»، که هنجارهای اخلاقی (همان: ص ۶۲)

سست و لرزان بود، و شاعر بر احساس و نکته سنج و عاطفی را در تنگنایی بس هولناک قرار داده بود. در چنین فضایی «گمنامی او بسبب عدم درک منزلتش بوسیله مردم» آنچنان را، آنچنان تر می‌ساخت. (همان: ۶۲)

کشمکش اعتقادی و سیاسی ابن الرومی با مخالفانش همواره هیزم خشک بر این آتش می‌فزود.

راستی در این شرایط پر تلاطم رسالت و وظیفه یک شاعر باریک‌بین و پر عاطفه و احساسی بسان ابن الرومی چیست؟

آیا در برابر روند غالب و چیره یافته، و غفلت جامعه و خود کامگی خلفا و وزرا و انواع کجیها و کاستی‌ها مهر خموشی بر لب زند، یا شجاعانه فریاد انتقاد و اصلاح و گاهی تقبیح و نکوهش را سر دهد؟ به نظر می‌رسد که برون ریز ساختن احساسات و اعتقادات و نظرات توسط ابن الرومی یکی از بارزترین دلایل سلامت اخلاقی و روانی اوست. زیرا وی با صداقت و صراحت نقاط ضعف و ناهنجاریها را دریافت و به وصف کشید، سپس جهت اصلاح آنها، ما حصل اندیشه و اعتقاد خود و در نهایت راهکار خویش را در معرض قضاوت همگان قرار داد. نیز توجه به این حقیقت خالی از لطف نیست که، «هجا هنر ابن الرومی است». (العلامة

الأمینی: ۱۹۸۶، ج ۳، ص ۴۷

او مانند خبرنگاری هنرمند و سرشار از ذوق، و مجهز به بهترین ابزارهای انعکاس واقعیت جامعه، تمام توان خویش را صرف بیان کاستی‌ها نمود. لذا بیشتر هجای او بورشی به مظاهر انحرافی تمدن آن زمان بود، که بشکل از هم گسیختگی و اباحیگری گسترده‌ای چون موریانه‌ای از دورن جامعه را تهی می‌ساخت.

بدیهی است که این هجای انتقادی، هرگز نقطه ضعفی برای ابن الرومی تلقی نخواهد شد تا وی مجبور شود، بسبب آن عذر تقصیر بجای آورد. نوع دیگر هجای او از قبیل طنزپردازی و فکاهت و تصویرگرایی است، بطور دقیق مانند طنزنویسان و کاریکاتوریستهای معاصر که ناهنجاریها را در قالب طنز به مردم گوشزد می‌نمایند. آری این نوع هجا ابزار طنز ادبی ابن الرومی بشمار می‌رود. اما در موارد دیگر این شاعر را ناخواسته به چالش هجاکشانده‌اند، و در این هجای گزنده، «او را مدافع و نه مهاجم» می‌یابیم؛ (همان: ص ۴۸)

چرا که دشمنانش به عمد او را بر می‌انگیختند، تا به برخی از مقاصد خویش دست یابند. ابن الرومی همواره از پیامد نامیمون ناسزاگویی بر حذر بود.

هموست که می‌گوید:

ما استبّ قط اثنانِ إلّا غلبا شرّهما نفساً و أمّاً و أباً

(ابن الرومی: دیوان، شرح مجید طراد، ج ۱، قافیه باء، ص ۳۱۷)

و نیز با صداقت اعلام می‌کند که:

«آلیت لا أهجو طوا ل الدهرِ إلّا من هجانی
لا بل سأطرحُ الهجا ء و إن رماني من رماني»

(ابن الرومی: دیوان، شرح: أسامة حيدر، ج ۷، قافیه نون، ص ۹۲)

ابیات بالا به واقعیت اخلاقی ابن الرومی بیشتر نزدیک است، و پرده از نهاد مسالمت‌آمیز وی بر می‌دارد. در واقع اگر ابن الرومی فردی شرور و پلید بود، هرگز به هجاء آشکار دست نمی‌یازید، و اندکی در اندیشه خطر دشمنان فرو می‌رفت و راه انتقام ستاندن را در ابزاری بی‌خطر جستجو می‌کرد. اما سلامت نفس او و سادگی او را بر آن داشت تا سلاحی یکسان

جهت دفاع از خویش برگزینند. در تاریخ بنگرید که بسیاری از اشرار بدون آنکه کسی سخنی در نگوشت برخی از دشمنانشان از آنها شنیده باشد، سرسبز آنها را مرموزانه بر باد دادند. (ری:)

العلامة الأمینی: ۱۹۸۶، ج ۳، ص ۴۸

نکته دیگری که بسیار جلب توجه می نماید، اینست که مرزبندی شاعر در برابر توده مردم یک مرزبندی بدور از واقعیت است. این مطلب ادعایی بیش نیست، و در هیچ سند موثق و معتبر تاریخی و ادبی محرز نگردیده است. آری ضدیت و تعارض وی با مخالفان خویش در کسوت حاکم سیاسی، و دشمنان مذهبی بسته ذهن انکارناپذیر است، اما باید توجه کرد، که اینان همه مردم نیستند. چه بسا عکس این ادعا هم صحت داشته باشد! با همه تفصیل، در شعر انبوه ابن الرومی نام هجوشدگان در دیوان او از چهل نفر فراتر نرفته است. در پایان بحث هجا نمی توانیم از سخن بلند دکتر عمر فروخ بگذریم که می گوید: «ابن الرومی از توانمندترین هجاگویان تاریخ ادبیات عربی است، و وصف و تحلیل بر هجای او غلبه می کند و تصویر دل انگیزی به آن می بخشد». (عمر فروخ، ۱۹۸۶، ج ۲، ص ۳۴۶)

بلکه حق اینست که کمتر قصیده و قطعه ای از او می توان یافت، که به نحوی توصیف و تحلیل در آن راه نیافته باشد!

ارزیابی کلی منابع و مآخذ مربوط :

نکته قابل توجهی که می توان انگشت تأکید بر آن نهاد، اینست که منابع اطلاعات و گزارشهای مربوط به ابن الرومی به کلافی سردرگم می ماند. از ما حاصل بررسیهای انجام یافته در منابع کهن و نو، نتایج ذیل بدست می آید:

الف: اکثر منابع و مآخذی که در آغاز سخن بدانها اشاره رفت، ادعاهای خود را بدون دلیل و سند ارایه کرده اند.

ب: در بسیاری از موارد منفی، گزارشهای تاریخی بر اساس نقل قول از افراد است، که در این روایات معنعن، راویان از مخالفان بل دشمنان ابن الرومی می باشند، و پر واضح است که مخالف انسان چگونه واقعتهای خصم خود را منعکس می نماید!

ج: در مواردی بویژه در خصوص بیماری روانی ابن الرومی نویسندگان از سر غفلت اظهار نظرهای کارشناسانه و تخصصی انجام داده‌اند، که در صلاحیت آنان نمی‌گنجد. بلکه شگفت‌آورتر از آن، پذیرش آنها بعنوان حقایق مسلم توسط متأخرین می‌باشد.

د: در این منابع، گویی هیچکس نیازمند اقامه برهان و دلیل نیست، و صرف ادعا و طرح دعوی، مؤید آنست و کمتر منبعی را یافتیم که دغدغه تشکیک یا نقض و ابرام این ادعاها را داشته باشد، و بنظر می‌رسد همه آنها اموری بدیهی انگاشته شده‌اند! (ر.ک: الخطیب البغدادی: تاریخ

بغداد، ج ۱۲، ص ۲۳ و بعد آن؛ و مسعودی: ۱۹۸۸، ج ۴، ص ۲۸۴؛ و المرزبانی: ۱۹۷۶، ص ۱۲۸)

از نویسندگان معاصر طه حسین ضعیف‌ترین تحلیل را درباره ابن الرومی عرضه می‌کند. استنباط ما اینست که وی علیرغم بزرگیش اطلاعات کافی و عمیقی در هنگام ارایه این مطالب، از ابن الرومی نداشته است، و آنچه در برخی از آثارش مطرح ساخته است گواه روشنی بر این مدعاست. (ر.ک: طه حسین: ۱۹۷۱، ج ۲، ص ۳۷۳ و پس از آن)

طه حسین خود معتقد است که زندگی ابن شاعر، مجهول یا شبیه به مجهول است. اما در چند سطر پس از آن با قاطعیت نظر میدهد که ابن الرومی «نگون بخت و مورد نفرت و حسادت مردم بوده، و چه بسا تیره روزیش از طبیعت زشت او نشأت می‌گیرد، چرا که وی تندخو، و روان نژند و عصبی بود». (همان: ص ۳۷۳)

نیز اضافه می‌کند: «و کلکم یعلم ما یتحدّث به الناس عن ابن الرومی من أنه کان یتطیر و یسرف فی الطیبة». (همان: ص ۳۷۴)

و نیز اظهار می‌دارد: «و یقال: إن تشاؤمه و تطیره قد أصاب دیوانه أيضاً، فلم یعرض له أحد إلا أصابه شیء». (همان: ص ۳۷۴)

خواننده عزیز اگر اندکی به استدلال ابن استاد بزرگ بذل توجه نماید، آنرا سست و لرزان خواهد یافت.

طه حسین در آغاز اذعان نمود که زندگی ابن الرومی مجهول و ناشناخته است، اما در سطور بعدی قاطعانه‌ترین اظهارنظرها را درباره او عرضه نمود، بدون آنکه خود را نیازمند ارایه دلیل بیابد. در دو عبارت بعدی تکیه گاه نظر او «کلکم یعلم...» که خطاب به دانشجویان

می باشد، این اطلاع وسیع شنوندگان چگونه با «مجهوله أو کالمجهوله» قابل جمع است؟ افزون بر این در آخرین عبارت خویش، سند موثق او جمله «و يقال...» می باشد، که بی پایه بودن آن نیازی به یادآوری ندارد. گر چه خود عبارت «و يقال...» دامنگیر طه حسین می شود که او هم بنوعی به فال بدو بدبینی اعتقاد داشته است! لطیف تر آنکه پیش از او، استاد عثماد هم در بحث بدبینی ابن الرومی تلویحاً و بطور ناخودآگاه به فال بد زدن و اینگونه خرافات اعتراف می نماید! (عثماد: ۱۹۶۸، ص ۲۰۱)

این در حالی است که عثماد خود به صراحت اعلام می کند که هیچیک از روایات مربوط به بدبینی ابن الرومی به سن پیش از پنجاه سالگی بر نمی گردد، و می افزاید، که این بدبینی از عوارض پیری بوده است. (همان: ص ۲۱۶)

افزون بر این پیشتر سخن عثماد در کثرت جعل اخبار و روایات درباره نام آوران نقل گردید. عثماد می پذیرد که اخبار جعلی و ساختگی در این باره بیشتر از اخبار صحیح و موثق بوده و اخبار صحیح هم با مبالغه و زیاده گویی در هم آمیخته شده است. (همان: ص ۲۱۷)

ابن الرومی و اختلالات روانی:

با مرور سریع پاره ای از مسایل مربوط به ابن الرومی، اکنون بهتر می توان درباره اختلالات روانی پنداشته شده او بحث کرد. در سخنان پیشین تلاش شد زوایای گوناگونی از زندگی فردی، اجتماعی، سیاسی و ادبی ابن الرومی به اختصار مطرح گردد، که هر کدام به سهم خویش می تواند در بازنمایی واقعیت شخصیت این شاعر مؤثر افتد.

اولین نکته شایان توجه در ارتباط با اختلالات روانی منسوب به ابن الرومی، بررسی منابع کهن و نو می باشد. همانگونه که پیشتر یادآوری گردید، منابع ادبی و تاریخی ما درباره این شاعر بسیار اندک و ناچیز سخن گفته است، و آنچه در این باره به وی نسبت داده شده، سندی موثق بر صحت آن اقامه نشده است.

بنظر می رسد شهرت و آوازه نویسندگان، همگان را از مطالبه مدرک و دلیل به غفلت انداخته است. افزون بر این مورخان صاحب نام گاه درباره وضعیت روحی و روانی این شاعر

اظهار نظرهایی کرده‌اند که خارج از تخصص و توان علمی آنان بوده است، و امروزه به جرأت می‌توان گفت: آراء آنها درباره این شخصیت در حجم و اندازه‌های یک متخصص چیره دست روانشناسی و روانپزشکی است. لذا آنچه گفته‌اند از دیدگاه علمی و تخصصی بدلیل فقدان صلاحیت لازم، بی اعتبار خواهد بود. بویژه قراین فراوانی دال بر رد آن نظریه‌ها و ادعاها در دست است. این اظهار نظرها موجب آن شد که افرادی دامنه آنها را گسترش داده، و از آن نمد، کلاه جنون و اختلالات روانی برای این شاعر بیافند. این گزارشهای ساختگی و اغراق‌آمیز، در تمام موارد جهت ترسیم چهره‌ای ناخوشایند از این سخن‌سرا، کارگر افتاد، حتی گریستن او در مرگ عزیزانش مورد بهره‌برداری منفی قرارگرفت، و از درون آن بدبینی به جهان هستی و زندگی، ساخته و پرداخته کردند. دامنه این امواج آنقدر سهمگین و بلند بود که همه کرانه‌ها را در هم کوبید؛ بگونه‌ای که تمام نویسندگان عرب که درباره ابن الرومی تألیفی عرضه کرده‌اند، مزاج سودایی و ضعف اعصاب و بدبینی و بطور تلویحی گاه جنون او را پذیرفته‌اند. جالب‌تر آنکه برخی از آنها، اختلالات روانی او را به چهار دسته کرده‌اند و تسلسل منطقی و اشتقاق یکی از دیگری را ذکر می‌نمایند، کاری که از عهده و توان آنان فراتر است! (در باورنی‌های گذشته منابع برخی از این نقطه نظرها ذکر گردید، بویژه مرزبانی، مسعودی و خطیب بغدادی و دیگران از نویسندگان گذشته، و عقاد، طه حسین، عمر فروخ بلکه اکثریت شایان توجه نویسندگان عرب از دوره معاصر از این گروهند.

«نگارنده»

بدون شك ابن الرومی تجارب تلخ و سوزناکی را در زندگی خویش پشت سر نهاد، که هر کدام اثر انگشت آشکاری را بر صفحات زندگی او بر جای گذاشت. یکی از آن تجربه‌های تلخ فرو افتادن پی در پی نزدیکانش به کام مرگ بود. همانگونه که در آغاز سخن یادآور شدیم، این رخداد تأثیر عمیقی بر تن و روان ابن الرومی داشت، و بستر آرام و خیال‌انگیز جان او را به تلاطم کشاند، و کانون دل او را با شعله‌های خود، گداخت. اثر این رخداد غمناک به حدی بود که همه شیرینبها یکجا در کام او به شرنگ دگرگون یافت. بویژه مرگ بی‌پای سه فرزندش او را «داغ‌دیده» ساخت. بر اثر این داغ‌دیدگی و مصیبت جانکاه «در خششهایی بر خاسته از فیض جان و روان در شعر ابن الرومی پدیدار گشت، که با نغمه‌های موزن و جاودانه خویش،

خواننده را سرمست می‌سازد». (ابلیاسلیم الحاوی: ۱۹۵۹، ص ۲۰۱)

در یکی از ابیات چکامه «دالیه» در سوگ فرزندش، اینگونه می‌سراید:

عجبتُ لقلبي كيف لم ينفطره
و لو أنه أفسى من الحجر الصلد

(ابن‌الزومی: دیوان، شرح فاروق سلیم، ج ۲، فایه دال، ص ۱۳۲۰)

ترجمه بیت: شگفتا از دل من که چگونه برای او دو نیم نگشت، گر چه دلم از سنگ ستر
هم سخت‌تر است!

نکته‌ای که بدان باید توجه داشت اینست که، برجسته شدن این حوادث و جلوه
حزن‌انگیز آنها در مجموعه‌ای از اشعار ابن‌الزومی، بجای آنکه نقطه ضعفی تلقی شود،
بعکس بر اعتدال روانی او دلالت دارد، چراکه میزان محبت و دل‌بستگی او را به خویشاوندان
نشان می‌دهد. در تحلیلهای روانشناختی، محبت به خویشاوندان یکی از گرایشهای مثبت
است و امید به زندگی را در روان شخص افزون می‌سازد. شکی نیست که این گسست
سنگین پدیده‌ای بنام اندوه (The blues) را در روان شخص ایجاد می‌کند. اندوه بطور عمده در
اشخاص داغ‌دیده جلوه می‌نماید. برخی از نویسندگان غیر متخصص پدیده اندوه (The
blues) را با افسردگی (Depression) که یک اختلال عاطفی با خلقی است یکسان می‌شمارند،
که بطور یقین بر داشت نادرستی است. در روانشناسی «نوع دیگر افسردگی، داغ‌دیدگی یا
واکنش به سوگ است، غمی که از فوت نزدیکان یا ناامیدی از پایان رابطه‌ای عاشقانه نشأت
می‌گیرد. وقتی رابطه مهمی تمام می‌شود همه بازماندگان چیزی تجربه می‌کنند، که معمولاً
سوگ نامیده می‌شود. این پدیده کاملاً عادی است.» (ایرون جی. ساراسون و...: ۱۳۷۱، ص ۵۶۱)

نزد پژوهشگران روانشناسی افسردگی و اندوه دو مقوله کاملاً متفاوتند، چراکه افسردگی
برخلاف اندوه بواسطه اطمینان بخشیدن و پند و اندرز خانواده و دوستان تسکین
نمی‌یابد. (همان: ص ۵۶۲)

«همچنین بعضی از این بیماران افسرده (The blue) علائم واضح روان‌پریشی را بصورت
هذیانها (Delusions) و توهمات (Hallucinations) نشان می‌دهند.» (ایوی، مارک بک برن و...: ۱۳۷۴، ص

نباید فراموش کرد که علائم بدست آمده از تحلیل کارکردی بیماران افسرده نشان می‌دهد که این بیماران از «فقدان تمرکز، تفکر کند و آسفته...» رنج می‌برند. (همان: جدول ۱-۱ ص ۲۰)

ما معتقدیم همه این نشانه‌ها از شاعر بزرگی چون ابن الرومی بعید بلکه غیر ممکن بنظر می‌رسد.

شاید بتوان گفت که چنین شاعری در اوج خلاقیت هنری و شعری هیچ نشانه‌ای از اضطراب در متون تراویده از اندیشه خود را نشان نمی‌دهد، زیرا از علائم روان شناختی اضطراب در تفکر: «نگرانی، اشکال در تمرکز، و احساس خالی بودن ذهن» است، (همان: ص ۲۵)

که با توان شعری ابن الرومی در تعارض آشکار می‌باشد.

گرچه نباید از نظر دور داشت که غم و اندوه تاوان فرسایشی سنگینی را بر جسم و جان شخص اندوهگین تحمیل می‌کند. این واکنش احساسی از سوی شاعر موجب شد تا انواع بدبینی‌ها، اضطرابها و اختلالات روانی از درون آن استحصال گردد، و به شکل ماهرانه‌ای به او نسبت داده شود، و در نهایت برای ابن الرومی شخصیتی روان نژند و روان پریش آفریدند!

اختلال روانی دیگری که به ابن الرومی نسبت داده شده است، بیماری سوداء یا مالیخولیا (Melancholy) می‌باشد. در روانپزشکی معاصر این اصطلاح معادل (Melancholia) است. از علائم آن «فقدان تغییرات درکی، نبودن منش غیر منطقی، فقدان تکانه‌های ناگهانی یا قطعی برای خودکشی و دیگرکشی...» می‌باشد. (دکتر نصرت... بر افکاری: ۱۳۷۶، ج ۲، ص ۹۰۴)

با این وصف، سودایی که منابع تاریخی آنرا در ابن الرومی ادعا می‌کند، نه عمر بیمار در آن مشخص است و نه علائم و ویژگیهای آن، بلکه سندی عقل پسند هم برای اثبات اصل آن بدست نیامده است. اگر اندکی در احوال و اوضاع روحی ابن شاعر بعنوان یک سخن سرای مطرح تأمل شود، و برخی از اخبار مرتبط با دوران کودکی، جوانی و میانسالی او را از نظر بگذرانیم، این حقیقت بر ما آشکار می‌شود که با یکبار شنیدن، پنج بیت شعر را حفظ می‌کند، یا با نظم چکامه‌های بلندی که بعضی از آنها به سیصد بیت هم رسیده است، با آن تمرکز و شعور مرموزی که شعرپردازی می‌طلبد، بعید است مزاجی سودایی و مضطرب داشته باشد.

کافیست کسی دیوان شعر شش جلدی او را تورقی کند، سپس خود به قضاوت بنشیند که غزل‌های نشاط آفرین، و تشبیه‌های معجزه آسای ادبی و قصائد بلند و اشعار حکمت‌آمیز، و تجزیه و تحلیلهای رفتاری و اخلاقی، و آفرینش و ابتکار صور خیال و معانی جدیدی که به ذهن هیچ سراینده‌ای پیش از او خطور ننموده است، همه و همه دلایلی انکارناپذیر است که بر اعتدال مزاج ابن الرومی دلالت دارد. به ویژه «اطباء قدیم انواع بیماری روانی را تشخیص نداده و همه را بر حسب ملا نکولی می‌زدند!». (دکتر نصرت... پیر افکاری: ۱۳۷۶، ج ۲، ص ۹۰۲)

یکی از اختلالات روانی مفروض در این سراینده، دلیریوم (Delirium) یا روان پریشی است، در این بیماری «.. توانایی بیمار برای اخذ، پردازش و بخاطر آوردن اطلاعات شدیداً آسیب می‌بیند،... دلیریوم بیشتر در سالمندان و کودکان دیده می‌شود». (همان: ج ۱، ص ۳۸۰)

اختلال روانی دیگری که می‌توان بدان اشاره کرد، دمانس (Dementia) یا زوال عقل است، در این اختلال «.. شکل کامل بالینی مرکب است از اختلال حافظه، تفکر انتزاعی و قضاوت که با درجاتی از تغییر شخصیت همراه است... دمانس بیش از همه در سنین پیری مشاهده می‌شود... دمانس در افراد ۸۰ ساله به بالا ۵ بار شایعتر از افراد ۷۰ ساله و پایین‌تر از آنست». (همان: ج ۱، صص ۳۹۱ و ۳۹۲)

یکی دیگر از اختلالات روانی را که گاهی بطور تلویحی به ابن الرومی نسبت داده‌اند اسکیزوفرنی (Schizophrenia) یا جنون است.

ارایه یک تعریف جامع و مانع در میان دانشمندان روانشناس برای این اختلال کار بسیار دشواری تلقی شده است. بهر روی از علائم این اختلال «گفتار آشفته و رفتار بشدت آشفته و کاتاتونیک (Catatonic) است». (انجمن روانپزشکی آمریکا: ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۴۷۶)

مهمترین خصیصه منفرد اسکیزوفرنی «تفکر آشفته یا اختلال تفکر صوری (Formal thought disorder) یا واپاشی تداعیها (Loosening of associations) است». (همان: ج ۱، ص ۴۸۱)

البته ارایه یک تعریف عینی از اختلال تفکر از یک دشواری ذاتی برخوردار است. در شرایط بالینی استنباط درباره تفکر فرد بطور عمده برگفتار او استوار است. لذا مفهوم گفتار آشفته اساس تعریف اسکیزوفرنی را تشکیل داده است.

از ویژگیهای گفتاری مبتلایان به اسکیزوفرنی، «در موارد نادر گفتار ممکن است به قدری آشفته باشد که تقریباً غیر قابل فهم بوده و از نظر آشفتگی زبانی به زبان پریشی دریافتی (Receptive aphasia)، گسسته‌گویی (Incoherence) یا سالاد کلمات (Word Salad) شبیه باشد».

(همان: ج ۱، ص ۴۸۱)

خواننده عزیز اذعان می‌نماید که در گستره شعر و شاعری، قطار خرد و سخن و خیال پردازیهای افسون‌گر آنقدر شتابان و منظم و زیبا در دالان فکر سراینده بر خطوط مرموزی می‌لغزد، که تصور یک وقفه یا انسداد (Thought blocking) و مهار فرآیند جاری تفکر یا تکلم درباره شاعر دشوار می‌نماید، بویژه اینکه «انسداد فکر وقتی به وضوح وجود داشته باشد تقریباً مشخص‌کننده اسکیزوفرنی است». (دکتر نصرت‌الله یور افکاری: ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۱۹۵)

نتیجه:

با توجه به آنچه گذشت و با عنایت به اندیشه تابناک و سیال ابن الرومی که چون آبشاری بلند همواره می‌خروشد، با ضرس قاطع می‌توان گفت: که آستان سخن سرای ما از اختلالات گذشته پاک و مبرا است. بخصوص هیچگاه سخن عباس محمود العقاد را فراموش نمی‌کنم که می‌گوید: بسیاری از روایتهای مربوط به اضطراب و بدبینی و غیره که درباره ابن الرومی نقل شده است، نادرست بوده، و بسیاری از آن روایتهای صحیح هم دچار گزاره‌گویی شده است، نیز هیچیک از این روایتها به سن پیش از پنجاه سالگی باز نمی‌گردند. (رک: ابن الرومی حیانه من شعره، ص ۲۱۶)

این واقعیت محتمل است که این شاعر بزرگ در دوره پیری خود، دچار برخی از نارسائیهای کهولت سن شده باشد، دوره‌ای که با عارضه‌های مشخصی می‌تواند در برخی از سالمندان آشکار شود. از این واقعیت نیز در قرآن کریم سخن به میان آمده است. (سوره مریم ۱۹/ آیه ۴)

پس نه فقدان ادراک در دوره متصل به پیری کاستی و نقصان ننگ‌آوری است و نه ضعف بنیه و پوکی استخوان، با سپیدی موی!

این عارضه‌ها واقعیت‌های ناگزیر عمر آدمی هستند که برخی از پیامبران الهی هم به شهادت قرآن کریم آنها را تجربه کرده‌اند. (سوره مریم ۱۹/ آیه ۱۴)

امروزه همه می‌دانیم که پزشکی نوین به بسیاری از این پرسشها پاسخ گفته است. به گمان ما در سوره مریم می‌توان بوضوح یکی از اعجازهای علمی قرآن را به تماشا نشست. در آن سوره بر سه عامل کهولت سن، سپیدی رنگ مو و ضعف استخوان تأکید شده است. در حالیکه پیری نشانه‌های فراوانی چون چروک شدن پوست، افتادن دندانها، کاهش بینایی و... دارد. حقیقت امر اینست که در مردان هورمون تستوسترون (Testosterone) و در زنان هورمون پروژسترون (Progesteron) از سی سالگی به بعد رو به کاهش می‌نهد و تا ۶۰ سالگی به ۶۰ درصد فروکش می‌کند. (آکسفورد: ۱۳۷۵، ج ۱، صص ۳۷، ۲۴۲ و ۲۴۳)

بطور طبیعی این کاهش طبق نظریه بیولوژیستها در سپید شدن موی انسان، مؤثر شناخته شده است. همچنین افزایش ترشح هورمونهای کورتیزول (Cortisol) و آدرنالین (Adrenaline) در پیری باعث کاهش سنتر سلولهای استخوانی می‌شود. این پدیده، پوکی استخوان (osteoporosis) را در سالمندان سبب می‌گردد. لذا بیولوژیست‌ها دو هورمون آدرنالین و کورتیزول را هورمونهای اضطراب نامیده‌اند. (همان: ج ۱، صص ۳۷، ۲۴۲ و ۲۴۳ و صص ۹ و ۲۷۶ و ۹۷۲)

آری، این پدیده‌ها محتمل است در شاعر ما ابن الرومی اثر خود را در پنجاه سالگی به بعد یا حتی کمی پیش از آن آشکار ساخته باشد. از آنچه گذشت، روشن می‌گردد که این پدیده‌ها، عارضه‌هایی کاملاً طبیعی و معمولی می‌باشند. اما متأسفانه مخالفان وی همواره نسخه اختلال روانی را برای او از درون آنها پیچیدند، و هم‌روزگاران ما هم بی‌درنگ بر همان طبل کهنه کوبیدند. یادآوری نکته دیگری خالی از لطف نیست که سیاستمداران و اعوان آنها در کارزار با مردان حق، بویژه در تاریخ عبرت‌آموز پیامبران الهی، همواره رسولان وحی را به اختلالات روانی و بر حسب جنون متهم ساخته‌اند. این حربه ابزار کارآمدی برای از میدان بدر کردن حریفان است. در قرآن کریم شاید بیش از ۱۳ مورد بطور صریح کافران، پیامبران را مجنون و دیوانه توصیف کرده‌اند، و شگفتا که نقطه اعتدال و توازن گیتی محمد

مصطفی (ص) را شاعر مجنون قلمداد کرده‌اند. (و بقولون اننارکوا الهتنا لشاعر مجنون. الصافات ۳۷/ ۳۷)
گویی این طرفند، راهکار مشترک همه آنانست که در بستر تاریخ انسان پنجه در پنجه مردان حقیقت جو افکنده‌اند.

دکتر عزالدین اسماعیل سخن زیبایی برای تکمیل بحث دارد که نقل آن بجا خواهد بود، وی می‌گوید: «هنرمند مانند هر شخص دیگری گاهی به حالت بیماری دچار می‌شود، و ممکن است از یک عامل بیماری با عامل دیگری رنج ببرد، اما هرگز یک دیوانه نخواهد بود، حتی آن زمان که یک هنرمند دچار اختلال عصبی می‌شود، هیچ اثری از اختلال روانیش در آفرینش هنری راه نخواهد یافت، زیرا هنگامی که می‌آفریند، از چنان تندرستی و هشیاری روانی آگاهانه برخوردار است که، هم‌تراز و هم‌سنگ حقیقت جهان عینی است.» (التحليل النفسى للأدب، ص ۳۲)

در پایان می‌سزد که ادیبان، کار ادبی کنند و آراء فراتر از توان و تخصص خویش را به اهل فن بسپارند و هرگز در پی اثبات بافته‌های غیر عالمانه دیگران نباشند، بافته‌هایی که در صدد دریدن هاله محبوبیت شخصیتهاست، تا مقبولیت آنان هم بدنبال آن بر خاک فرو غلتد، و سرانجام با منزوی ساختن اجتماعی حریف و زمین‌گیر ساختن او بتوانند براحتی شخصیت علمی، ادبی و نهایتاً سیاسی او را زنده بگور سازند، تا زمینه برای حذف فیزیکی او فراهم آید!

دریغا که در سده سوم هجری چنین حادثه غمباری در تاریخ ۲۸۳ هـ به واقعیت پیوست، و خشکناچه آغشته به شوکران، توانست تارهای خیال‌انگیز ارغنون شعر عرب را در هم بگسلد! (ابن خلکان: و فیات الأعبان ج ۳، ص ۳۶۰)

منابع:

- ۱- قرآن کریم.
- ۲- آکسفورد: فرهنگ فشرده پزشکی آکسفورد، مترجم: دکتر مصطفی مفیدی، انتشارات فرهنگستان تهران، چاپ اول، ۱۳۷۵.
- ۳- ابن خلکان: أحمد بن محمد، و فیات الأعبان و أبناء الزمان، تحقیق: د. إحسان عباس، دار صادر، بیروت، بدون تاریخ.

- ۴- ابن الرومی: شرح الديوان، ۶-۱، دار الجیل، بیروت، ۱۹۹۸ م.
- ۵- إسماعیل، د. عزّالدین: التحليل النفسي للأدب، دار العودة، بیروت، بدون تاریخ.
- ۶- الأصفهانی، أبو الفرج: مقاتل الطالبیین، منشورات الرّضی، ط ۲، قم.
- ۷- الأُمینی، عبدالحسین: الغدير فی الكتاب و السّنة و الأدب، دار الكتاب العربي، ط ۵، بیروت، ۱۹۸۳ م.
- ۸- انجمن روانپزشکی آمریکا: DSM-IV راهنمای تشخیصی و آماری اختلالهای روانی، ترجمه: محمدرضا نیکخو و دیگران، چاپخانه مهارت تهران، چاپ دوم، ۱۳۷۵.
- ۹- ایرون جی. ساراسون، و باربارا آر. ساراسون: روانشناسی مرضی براساس DSMIII-R، ترجمه: دکتر بهمن نجاریان و دیگران، چاپخانه: صدای مردم، تهران، ۱۳۷۱.
- ۱۰- ایوی، ماری بک برن، و کیت ام، دیویدسون: شناخت درمانی افسردگی و اضطراب، ترجمه: حسن تو زنده مانی، انتشارات آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۳۷۴.
- ۱۱- بروکلیمان، کارل: تاریخ الأدب العربي، المترجم: عبدالحلیم التّجار و آخرون، الهيئة العامّة المصریة للكتاب، ۱۹۴۹.
- ۱۲- پور افکاری، د. نصرت ا...: فرهنگ جامع روانشناسی و روانپزشکی و زمینه‌های وابسته، چاپ نوبهار، چاپ دوم، تهران، ۱۳۷۶.
- ۱۳- حاجی خلیفه، مصطفی بن عبدالله: كشف الظنون عن أسامی الكتب و الفنون، دار الفکر، ۱۹۹۹ م.
- ۱۴- الحاوی ایلیا سلیم: ابن الرومی فنه و نفسیته من خلال شعره، دار الكتاب اللّبنانی بیروت، ۱۹۵۹ م.
- ۱۵- حسین، د. طه: من تاریخ الأدب العربي، دار العلم للملایین، بیروت، ۱۹۷۱ م.
- ۱۶- الخطیب البغدادي، أحمد بن علی: تاریخ بغداد، دار الكتاب العربي، بیروت، بدون تاریخ.
- ۱۷- الزرکلی، خیر الدین: الأعلام، ط ۳، ۱۹۶۹ م.
- ۱۸- الصنعانی، یوسف بن یحیی: نسمة السّحر بذكر من تشیع و شعر، تحقیق: کامل سلمان الجبّوری، دار المورخ العربي ط ۱، بیروت، ۱۹۹۹ م.
- ۱۹- العقاد، عباس محمود: ابن الرومی حیاته من شعره، دارالكتاب العربي، ط ۷، بیروت، ۱۹۶۸ م.
- ۲۰- فزّوخ، د. عمر: تاریخ الأدب العربي، دار العلم للملایین، ط ۱، بیروت، ۱۹۸۵ م.
- ۲۱- گست، روون: ابن الرومی حیاته و شعره، ترجمه: د. حسین نصار، دار الثقافة، بیروت، بدون تاریخ.
- ۲۲- المرزبانی، محمد بن عمران: معجم الشعراء، تصحیح د. ف. کرنکو، دارالجیل، ط ۱، بیروت ۱۹۹۱ م.
- ۲۳- المسعودی، علی بن الحسن: مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق: محمد محیی الدین عبدالحمید، دارالفکر، ۱۹۸۸ م.